

بیش از یک ماه از انحلال کمیته اداری غزه و روند تازه آشتی ملی فلسطینی‌ها می‌گذرد. موسی ابومرزوق، از اعضای بلندپایه حماس، درباره پیشرفت‌های صورت‌گرفته و نیز موانع بر سر این راه می‌گوید. او تأکید دارد حماس تصمیمی بی‌بازگشت گرفته است و هدفش خاتمه‌دادن به شکاف بین فلسطینی‌هاست. ابومرزوق درعین حال تأکید دارد که سلاح مقاومت هرگز مورد بحث نبوده و از این پس نیز نخواهد بود. عجیب اینکه او این موضع را در تضاد با اختلاف با موضوع دولت خودگردان مبنی‌بر یک سلاح و یک دولت نمی‌داند. او همچنین درباره تلاش‌های آمریکا پیرامون فعال‌کردن دوباره روند صلح نیز می‌گوید دولت ترامپ هیچ برنامه‌ای تاکنون برای حل منازعه اسرائیل و فلسطینی‌ها ارائه نکرده است. متن گفت‌وگو را می‌خوانید.

۴ در قاهره چه گذشت. آیا دیداری صرفا آشتی‌جویانه بین دو جنبش فتح و حماس بود یا تلاشی جدی برای پایان‌دادن به اختلافات؟

این نخستین دیدار درباره آشتی نبود. این روند تاکنون مراحل مختلفی را طی کرده است. امتیاز دیدارهای اخیر به دلیل مواضع حماس است. ما کمیته اداری را منحل کردیم و تلاش می‌کنیم دولت وفاق ملی را تقویت کنیم. این دولت از طریق یک توافق بین طرفین تأسیس شد، اما بدون توافق با ما، تغییرات زیادی کرد. ما از دولت خواستیم باید و مسئولیت‌های غزه را برعهده بگیرد. اگر برادران ما در فتح بخواهند در این مدیریت ما را هم شریک کنند، ما آماده گفت‌وگو و آماده تسهیل امور برای دولت وفاق ملی هستیم. اگر کمک حماس را دراین‌باره بخواهند، ما می‌گوییم «اهلا و سهلا» بفرمایید و مسئولیت‌هایتان را انجام دهید. فضای آزادی است و همه هیئت‌ها حاضرند این مسئولیت‌ها را برعهده بگیرند. حماس به صورت یک‌جانبه یک حرکت بزرگ و مثبت را انجام داد؛ بدون هیچ پیش‌شرطی. ما لطف کردیم و مصلحت ملت فلسطین و ساکنان غزه را ترجیح دادیم. سعی کردیم هر امری را که ایجاد شک می‌کرد توضیح دهیم و به شکلی روشن بیان کنیم تا جنبش حماس به دلیل آن سرزنش نشود.

آیا این شجاعت را دارید که از ملت فلسطین غدرخواهی کنید تا به پیش برویم؟

این ربطی به پیش‌رفتن ندارد؛ هر گامی در جهت پیشرفت مطلوب است. ما همه نوع فداکاری برای ملت فلسطین کرده‌ایم. ما خود بخشی از این ملتیم. ما هرگز از این ملت جدا نبوده‌ایم و هرگز چنین فکری نمی‌کنیم. اگر اشتباهی معین بوده که جنبش ما در هر مرحله‌ای مرتکب شده، غدرخواهی از آن امری واجب است و دراین‌باره هیچ‌گونه مانعی نمی‌بینیم، اما به اعتقاد من این ملت فلسطین است که حماس را به اینجا رساند و در چنین جایگاهی قرار داد، اما شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی موانعی را بر سر راه این جنبش قرار داد. حماس هرگز از مسئولیت‌های خود شانه خالی نکرده است، بلکه برای انجام مسئولیت‌هایی که ملت فلسطین بر دوش این حرکت گذاشته هر چه در توان دارد انجام می‌دهد. بنابراین حماس در جایگاهی نبوده که این مصیبت‌ها را بر ملت فلسطین تحمیل کرده باشد، بلکه در موضعی بوده که از ملت فلسطین و برنامه‌هایش دفاع کرده است. حماس در جهت این دفاع بهایی گراف برداخته است.

۴ بیش از یک ماه از نخستین گام‌های شما برای مصالحه فلسطینی و انحلال کمیته اداری غزه می‌گذرد، اما هنوز تحریم‌هایی که محمود عباس بر غزه تحمیل کرده بود، برداشته نشده است. به‌نظر شما اینها بیانگر چیست؟

عجیب اینکه کسی که مسئول ملت فلسطین است، بخشی از همین ملت را به دالایل اهداف سیاسی خود تنبیه می‌کند. این روا نیست. از طرف دیگر، کسی که باید نسبت به این تحریم‌ها اعتراض کند، جنبش‌های فتح و حماس هستند، زیرا این دو بزرگ‌ترین تشکل‌ها در نزد ملت فلسطینند. سایر گروه‌های فلسطینی اعتراض کرده‌اند، اما فقط فتح است که هنوز فریادی برنیاورده و این بسیار عجیب می‌نماید. ساکنان غزه بزرگ‌ترین ضررورزیان را از این تحریم‌ها دیده‌اند. این دشمنی‌ها غالباً از کادرهای فتح یا کسانی است که بازنشسته شده‌اند کمانیکه مسائل پزشکی یا نبود برق از دیگر مجازات‌هایی است که بر ملت فلسطین تحمیل می‌شود و کل ملت ما از آن زیان می‌بیند. عجیب است که این تحریم‌ها هنوز به یق خود باقی است. عجیب‌تر اینکه فتح در مقابل این روند نمی‌ایستد. چرا باید تحریم‌ها باقی بماند، حال آنکه می‌گفتند اگر ما کمیته اداری را منحل کنیم در مدت ۲۴ ساعت همه این تحریم‌ها برداشته خواهند شد؟ به باور من آنها گروه‌کشی سیاسی می‌کند و این اشتباه است.

۴ شما قبلاً در جواب این سؤال که چرا آشتی فلسطینی‌ها صورت نمی‌گیرد گفتید چون چراغ سبزی از سوی آمریکا و اسرائیل داده نشده است. پس حالا چراغ سبزی داده شده؟

من به این سادگی نگفتم. من مطمئن بودم و گفت‌وگوهای پیرامون آشتی در سال‌های گذشته نیز نشان داد بزرگ‌ترین مانع اسرائیل و آمریکا بوده است. اسرائیل می‌خواهد کرانه باختری را منزوی کند. اسرائیل آشتی فلسطینی‌ها را نمی‌خواهد. آمریکا نمی‌خواهد حماس بخشی از روند سیاسی و در داخل نظام سیاسی فلسطین باشد؛ مگر اینکه اسرائیل را به رسمیت بشناسد و به قول آنها خشونت را حذف کند یا توافقات امضاشده بین سازمان آزادی‌بخش و اسرائیل را بپذیرد؛ یعنی شروط چهارگانه‌ای که از اساس

گفت‌وگو با «موسی ابومرزوق» درباره روند آشتی حماس و فتح؛

حماس تصمیمی بی‌بازگشت گرفته است



آمریکایی است. طبعاً به همین شیوه بود که آنها توانستند توافق مکه را ناکام بگذارند یا توافق‌نامه‌هایی که بعداً صورت گرفت؛ برای مثال توافق قاهره که هیچ‌یک از توافقات گذشته اجرا نشد. من این اواخر گفتم به نظر می‌رسد مانع اصلی از پیش پای ابومازن برداشته شده است؛ بنابراین او باید از فرصت استفاده کند و برای آشتی فلسطینی‌ها پیش‌قدم شود.

ما به چه دلیل؟

اظهاراتی رسمی و غیررسمی از چند طرف مبنی بر اینکه آمریکایی‌ها و به دنبال آن اسرائیلی‌ها وتوی مقابل آشتی فلسطینی‌ها را برداشته‌اند، شنیده می‌شد. اقدامات اسرائیل درباره تشکیلات خودگردان در کرانه باختری مانع هرگونه راه‌حل سیاسی آینده شد و راه‌حل دو دولت را تبدیل به موضوعی بی‌حاصل و غیرواقعی کرد. بعد متوجه شدند برای حرکت در مسیری که در ذهنشان است و هیچ راه‌حل دیگری برای آن ندارند و برای حل تمام مسائل خاورمیانه، باید دولت خودگردان بر غزه و کرانه باختری سیطره داشته باشد. برای رسیدن به این هدف بود که وتوی آمریکایی را از سر راه آشتی فلسطینی‌ها برداشتند. الان به کسانی که در این نظر تردید دارند، می‌گوییم نگاه کنید آمریکا، آلمان، بریتانیا و همه دنیا از این آشتی و اتفاقاتی که برایش افتاد استقبال کردند.

۴ کسانی هستند که می‌گویند شما با چشمان باز به سمت یک دام یا تله کشیده می‌شوید. چرا به این مسیر می‌روید؟

کسی که کار سیاسی می‌کند، دشمن یا خصم سیاسی‌اش را می‌شناسد و می‌داند وارد باغی نمی‌شود که برایش بنوازند. هرکس مراقب دیگری است. آنها حماس و توانمندی‌هایش را زیر نظر دارند. مقابله با این جنبش کاملاً واضح است. تا‌به‌حال ما سه جنگ داشته‌ایم. در کنار آن تحریم‌های جدید بوده است. این تحریم‌ها فقط درباره سفرها ب‌ستن گذرگاه‌ها نبود؛ بلکه یک محاصره نامرئی هم داشتیم که عبارت بود از تعقیب نیروهای حماس و تعقیب ارتباطات دیپلماتیک و سیاسی‌اش. این محاصره حقیقی را آمریکا رهبری می‌کرد. البته کشورهای در منطقه هم بودند که دراین‌باره از آمریکا حرف‌شنوی داشتند، اما یک چیز روشن شد، آنها نتوانستند جنبش حماس را دچار لغزش کنند یا روند حرکتش را تغییر دهند. من نفی نمی‌کنم که دام‌های زیادی بر سر راه ما گذاشته شده است؛ اما آثانی که در جنگ موفق نبودن، در شیوه‌های دیگر هم موفق نخواهند بود.

۴ بنابراین شما می‌دانید که دام‌هایی وجود دارد یا به سمت این تله‌ها کشیده می‌شوید؛ درعین حال یقین دارید هرگز در اینها نخواهید افتاد ؟

اما از کسی پیروی نمی‌کنیم. کسی ما را هدایت نمی‌کند. ما به صورت مطلق با انتخاب‌هایی که می‌کنیم، پیش می‌رویم و خودمان را در این یا آن موضوع‌گیری سیاسی قرار می‌دهیم. اینکه دشمنان بر سر راه ما دام‌هایی بگذارند یا توطئه‌هایی بکنند، این مسئله عجیبی نیست و ما همیشه انتظارش را داشته‌ایم.

۴ من این‌طور می‌فهمم کسانی قصد دارند از این آشتی به معامله خودشان دست یابند یا به قول معروف با انجام یک معامله قرن مسئله فلسطین را حل کنند؟

من یک معامله قرن ندیده‌ام. تا الان دولت دونالد ترامپ هیچ خط سیاسی یا دیدگاه سیاسی روشنی را برای حل نزاع در منطقه یا ایجاد شرایط جدید ارائه نکرده است. آنها سعی می‌کنند مشکل را بفهمند و دیدگاه‌های همه طرف‌ها را به دست آورند. تا اینجا دولت آمریکا هیچ چشم‌اندازی درباره آینده منطقه ارائه نداده و نگفته چگونه می‌خواهد مشکلاتش را حل کند. **۴ در جریان دیدار اخیر که در قاهره بین فتح و حماس برگزار شد، یک هیئت امنیتی اسرائیلی در سطح بالا نیز حضور داشت. مأموریت این هیئت**

آیا در دولت وحدت ملی مشارکت خواهید کرد؟

چه بود؟ آیا این مسئله ارتباطی با خبری دارد که می‌گویند بین حماس و اشغال‌گران اسرائیلی درباره مبادله اسرا یک معامله جدید صورت گرفته است ؟

به بخش اول این سؤال نمی‌توانم جواب بدهم چون نمی‌دانم. چون بین ما و دیگران ارتباطی نیست تا بدانیم اهدافشان چه بود. من در موضع تحلیل سیاسی این موضوع نیستم؛ اما درباره بخش دوم سؤال اصلاً مسئله تبادل اسرا در گفت‌وگوهای اخیر مطرح نشده است.

۴ برخی از رسانه‌ها می‌گویند هیئت‌ای از فتح در قاهره خواستار نقشه تونل‌های داخل غزه شده است. آیا این نظر درست است ؟

این مسئله روی میز مذاکره نبوده؛ همچنان که مسائل مربوط به سلاح مقاومت مطرح نشده و اجازه هم داده نخواهد شد که مطرح شود. ما اجازه ندادیم در گفت‌وگوهای مصر مسئله آتش‌بس با اشغالگران را مطرح کنند چه برسد به گفت‌وگوهای داخل گروه‌های فلسطینی. برای همین خبرهایی از این دست واقعیت ندارد.

۴ اسرائیلی‌ها در رسانه‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی خود ابراز امیدواری می‌کنند که آشتی فلسطینی‌ها شکست بخورد؛ چون می‌گویند شيطان در جزئیات است و همین آشتی در گفت‌وگوهای آینده منهدم خواهد شد؟

بیانیه‌ای که صادر شد و توافقاتی که صورت گرفت درباره کلیات بود نه جزئیات. طبعاً هنگامی که وارد جزئیات شویم مسئله بزرگ‌تر از این خواهد شد. اما اینکه آیا گفت‌وگو و آشتی موفق شود یا خیر این به طرف‌های آن و نیز موضعی بستگی دارد که نسبت به مسائل روی میز مذاکره اتخاذ می‌شود. من می‌توانم بگویم حماس شکاف بین فلسطینی‌ها را پشت‌سر گذاشته و با قدرت برای آشتی پیش‌قدم شده و هیچ عقب‌گردی در کار نیست. حتی اگر تلاش‌ها به شکست منجر شوند تنها یک طرف است که موجب شکست این تلاش‌ها بوده و آن طرف البته حماس نیست.

۴ شما کمی قبل گفتید سلاح مقاومت هرگز روی میز گفت‌وگوها نبوده و نخواهد بود. آیا این موضع نهایی است؟

بله، درست است.

۴ منظور شما سلاح مقاومت در غزه است یا کرانه باختری؟

سلاح مقاومت در کل، زیرا مقاومت حق مشروع ملت فلسطین علیه اشغالگران است. نمی‌شود حماس را وادار کنی از این حق خود کوتاه بیاید. تا زمانی اشغالگری وجود دارد باید مقاومت هم باشد. همه تلاش‌های سابق حول همین نقطه بوده است. هیچ قدرتی روی زمین وجود ندارد که ملت فلسطینی ما را از مقاومت در برابر اشغالگران منع کند و این راه را از گرفتن حقوق کامل خود ادامه خواهیم داد.

۴ اما رئیس تشکیلات خودگردان همچنان از یک سلاح حرف می‌زند و آن سلاح مشروعیت است.

ما نمی‌خواهیم حق تشکیلات خودگردان را برای اجرای قوانین در کرانه باختری و غزه بگیریم. در هر مسئله‌ای، اعم از پیکرد جنایتکاران یا اعمال نظم عمومی یا ایجاد ترتیب اوضاع داخلی، همه اینها حق آنهاست و هیچ‌کس بر سر این موضوع بحثی ندارد. قوانینی هست که از حقوق شهروندان فلسطینی حمایت می‌کند. این قوانین به تشکیلات خودگردان همه‌گونه اختیاری می‌دهد تا امور داخلی فلسطینی‌ها را مدیریت کند. اما مسئله مقاومت امر دیگری است. سلاح مقاومت مسئله دیگری است و هیچ ارتباطی با یک سلاح یا یک قانون با یک دولت ندارد. ما برای مسائلی که مرتبط به اداره امور کرانه باختری با غزه باشد بدون تردید با یک دولت و یک قانون موافقیم. می‌توانند دراین‌باره اطمینان خاطر داشته باشند اما مقاومت در برابر اشغالگران حق طبیعی ملت فلسطین است و ملت فلسطین از این حق خود حمایت خواهد کرد.

۴ آیا در دولت وحدت ملی مشارکت خواهید کرد؟

بله، شرکت می‌کنیم. این حکومت گروه‌هاست، ما می‌خواهیم یک دولت قوی داشته باشیم که بتواند امور فلسطینی‌ها را به شکلی صحیح اداره کند و مشارکت ملی هیچ‌کدام از گروه‌ها و احزاب را حذف نکند یا هیچ گروه یا تشکلی در آن حق انحصاری نداشته باشد. این چیزی است که برای تحقق آن تلاش می‌کنیم. گفت‌وگوهای آینده در قاهره درباره تحریم‌ها یک موضوع مهم است و از سوی جامعه پذیرفته نمی‌شوند و در معرض تهدید قرار دارند. گاردین نوشته کودکان داعش با تهدیدات برای انتقام مواجه بوده و اکثر آنها در اردوگاه‌هایی در شمال عراق مخفی شده‌اند و هیچ‌گونه برنامه و طرحی برای بازپروری آنها وجود ندارد. صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) نیز در تعیین تعداد دقیق آنها ناکام ماند، دولت عراق نیز تصمیم گرفت به دلیل حساسیت این پرونده از پرداختن به آن خودداری کند. براساس گزارش‌ها دوری و تأخیر در اقدام، استراتژی کلی بین‌المللی است که مانند روغنی بر آتش این کودکی سلب‌شده می‌ریزد.

پایان‌یافتن داعش در سوریه و عراق فاجعه‌ای را بر جای گذاشته که به حمایت مالی کافی

نگاه

بمب‌های ساعتی آینده داعش

نیروهای سوریه دموکراتیک از درهم‌پيچیدن طومار این گروه تروریستی در شهر رقه خبر دادند و ائتلاف ضدداعش نیز اعلام کرد این گروه تروریستی ۸۷ درصد از اراضی تحت اراضی تحت کنترلشان از سال ۲۰۱۴ در سوریه و عراق را از دست داده‌اند. «داعش تسلیم شد و فروپاشید» این تیتر خوشایند هم‌زمان با سومین سالگرد تأسیس ائتلاف ضدداعش تمامی رسانه‌ها را دربر گرفت اما به نظر می‌رسد این گروه تروریستی هرگز در سوریه و عراق به پایان کارش نخواهد رسید. گزارش‌های متعددی هستند که درباره شرایط فرزندان داعشی‌ها تنظیم شده که نسبت به این «بمب‌های ساعتی» هشدار می‌دهند. روزنامه گاردین در تحقیقی که پس از آزادی شهر موصل منتشر کرد، نوشت کودکان داعش یا تسلیم می‌شوند یا پدرانشان در درگیری‌ها کشته می‌شوند. آنها هنوز هیچ‌گونه کارت شناسایی نداشته و از سوی جامعه پذیرفته نمی‌شوند و در معرض تهدید قرار دارند. گاردین نوشته کودکان داعش با تهدیدات برای انتقام مواجه بوده و اکثر آنها در اردوگاه‌هایی در شمال عراق مخفی شده‌اند و هیچ‌گونه برنامه و طرحی برای بازپروری آنها وجود ندارد. صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) نیز در تعیین تعداد دقیق آنها ناکام ماند، دولت عراق نیز تصمیم گرفت به دلیل حساسیت این پرونده از پرداختن به آن خودداری کند. براساس گزارش‌ها دوری و تأخیر در اقدام، استراتژی کلی بین‌المللی است که مانند روغنی بر آتش این کودکی سلب‌شده می‌ریزد.

پایان‌یافتن داعش در سوریه و عراق فاجعه‌ای را بر جای گذاشته که به حمایت مالی کافی



و طرح‌های عملی برای مقابله با آن نیاز دارد. برای مثال طبق آمار یونیسف، فقط در عراق بیش از

پنج میلیون کودک به کمک فوری برای حمایت‌های روحی و روانی نیاز دارند. آمار رسمی حاکی از آن است که از میان هشت میلیون کودک عراقی، دو میلیون کودک به دالایل مختلفی ازجمله آوارگی خانواده‌هایشان یا ورود به بازار کار، از رفتن به مدرسه بازمانده‌اند و اکثر آنها نیز پس از این نیز فرصتی برای تکمیل تحصیلاتشان ندارند. شرایط این کودکان در اردوگاه‌های پناه‌جویان و آوارگان و خیم‌تر است. آنها در سوریه که طبق قوانین جنگی بدترین فاجعه انسانی از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود، بسیار بدتر و وخیم‌تر است. به بررسی پرونده‌های مربوط به کودکانی که از سوی داعش جذب شده و مجبور به شرکت در درگیری‌ها می‌شوند فاجعه در سوریه و عراق سخت‌تر می‌شود. طبق آمار مرکز دیده‌بان حقوق بشر سوریه، فقط در این کشور بیش از هزار و ۲۰۰ کودک در سال ۲۰۱۵ به گروه موسوم به «بچه‌های خلافت» پیوسته‌اند. یکی از داعشی‌ها با افتخار دراین‌باره می‌گوید تنها در یک سال در نینوا چهار هزار و ۵۰۰ کودک را جذب کرده‌ایم. آیا این کودکان خواهند توانست از ترس رهایی یافته و کشتارها و خون‌ریزی‌هایی که خود یک طرف آن بودند را فراموش کنند؟ این سؤالی است که تحلیل‌های روان‌شناسی از پاسخ‌گویی به آن بازمانده‌اند.

منبع: ایسنا

روزنه

از «نسل حماس» تا «نسل سلفی»

ترجمه: شاهرخ مصلحی

احتمال اینکه گروه‌های فلسطینی حماس و فتح که زمانی دشمن خونی بودند، به آشتی در غزه نزدیک‌تر شوند وجود دارد؛ اما گروه‌های جهادی سلفی در این میان نه‌تنها توانایی نابودی هر نوع آشتی در غزه را دارند، بلکه این پتانسیل را دارند که فلسطینیان را به کشمکش دیگری هم بکشانند.

در پی حمله انتحاری ماه اگوست در نوار غزه که در نزدیکی با مرز مصر روی داد، یکی از اعضای تیم امنیتی حماس کشته شد و چند نفر دیگر هم مجروح شدند؛ این حادثه به‌غیر از منحصربه‌فردبودنش، نشان از ظهور گروه نظامی دیگری در غزه دارد. نوار غزه بین اسرائیل و صحرای سینا واقع شده و دارای جمعیت بسیار متمرکزی در حدود ۱۰۸میلیون نفر است که در فضای کمی بیشتر از درو برابر واشنگتن زندگی می‌کنند. خشن‌تر و افراطی‌ترشدن غزه، عمدتاً به‌دلیل جنبش رو به رشد سلفی‌گری در این منطقه است؛ پدیده‌ای جدید که می‌تواند تعادل موجود در نوار غزه را - که ناحیه‌ای پرتنش در خاورمیانه محسوب می‌شود - تهدید کند.

قدر انتحاری غزه، مظنون به عضویت در گروهی سلفی- فلسطینی مرتبط با داعش است. اکنون خیزش سلفی‌گری تدرور، به روندی نگران‌کننده در غزه تبدیل شده است. از نظر تاریخی، سلفی‌گری در غزه در دهه ۱۹۷۰؛ یعنی زمانی که دانش‌آموزان فلسطینی پس از اتمام تحصیلاتشان از مدارس مذهبی عربستان‌سعودی بازگشتند، ریشه دواند. خبرنگاری با نام «جارد ماسلین» می‌گوید، چند گروه سلفی هنوز در حال دریافت حمایت و کمک مالی از ریاض هستند.

گرچه به‌طور سنتی این گروه‌ها نیروی اصلی در صحنه سیاسی فلسطین محسوب نمی‌شدند، اما در چند سال گذشته همه‌عیز تغییر کرده است. سلفی‌ها خیزش خود را اولین‌بار در تابستان سال ۲۰۰۷ و به‌واسطه خلا قدرتی که در نتیجه کشمکش داخلی میان حماس و فتح ایجاد شد، تجربه کردند. کار تا جایی پیش رفت که رهبر سلفی‌ها، عبدل الطیف موسی، رهبر جندانصارالله، در سال ۲۰۰۹ در جنوب شهر رفح، اعلام امارت اسلامی کرد؛ او پس از آن در حمله‌ای ازسوی حماس کشته شد. به‌طورکلی اعلام خلافت ازسوی داعش به ایدئولوژی سلفی نیروی دوباره بخشی.

از دیگرسو، موفقیت داعش که خود گروهی سلفی و تدرور است، موجب تقویت بیشتر سلفی‌های غزه شد. برای مثال بیانیه‌های رسانه‌ای که ازسوی گروه‌های سلفی در غزه منتشر شد، حاوی سروده‌ها و تصاویری بود که ازسوی بخش تبلیغاتی داعش تولید شده بود. مشخص است که داعش این توانایی را داشته که از طریق فضای مجازی ده‌ها هزار جنگجوی خارجی را جذب کند و از طریق همین فضای مجازی ده‌هزاران نفر از حامیانش را طوری پرورش دهد که در همین فضا افکارش را تبلیغ و پیمایش را منتشر کنند.

گروه‌های فعال سلفی در غزه برای آنکه موقعیت خودشان را به‌عنوان سازمان‌های بسیار افراطی مستقر در داخل اراضی اشغالی تحکیم کنند، تلاش فراوانی کرده‌اند. این گروه‌ها، اعضای حماس را به‌خاطر مشارکتشان در انتخابات سال ۲۰۰۶ فلسطین کافر می‌پندارند، چراکه ذاتاً با انتخابات مخالف هستند. سلفی‌ها اعتقاد دارند که فقط قانون خداوند مهم است و شریعت تنها سکوی قابل‌قبول حکومت‌کردن است. آنها تلاش زیادی کرده‌اند از این منظر خود را از حماس بالاتر نشان دهند.

سلفی‌های غزه از حماس به‌خاطر توافق آتش‌بس با اسرائیل - که آخرین آن در اواسط ۲۰۱۵ بود- انتقاد کرده‌اند. آنها می‌گویند گروه فلسطینی به‌خاطر همکاری با دشمن صهیونیستی گناهکار است. همچنین حامیان داعش در غزه برای آنکه آتش‌بس را برهم بزنند، به‌طور پراکنده به سمت اسرائیل راکت پرتاب کرده‌اند. حماس هم عده‌ای از آنها را بدون محاکمه یا تشریفات قانونی به زندان انداخته است.

دیدگاه‌اسرائیل

نگرانی اسرائیل از سلفی‌های غزه از نگرانی حماس از این گروه‌ها هم بیشتر است. تل‌آویو عادت کرده که دائم تحت محاصره همسایگانش باشد، اما خطری که جهادی‌های «فرامی» ایجاد می‌کنند، خیلی شدیدتر است. گرچه اسرائیل تقریباً از همه‌های القاعده مصون بوده، اما حضور یکی از شاخه‌های بسیار توانمند و سازمان‌یافته داعش در طول مرز غزه در شبه‌جزیره سینای مصر، چالش امنیتی دیگری را متوجه تل‌آویو کرده است.

اسرائیل میان حمله‌هایی که ازسوی سلفی‌ها و حمله‌هایی که ازسوی حماس صورت می‌گیرد، تفاوتی قائل نمی‌شود و دولت رأس کار در غزه را مسئول تمام حمله‌هایی می‌داند که از خاک غزه صورت می‌گیرد. این به این معناست که حملاتی که سلفی‌ها انجام می‌دهند، می‌تواند به انتقام‌گیری اسرائیل از حماس منتهی شود و تل‌آویو در پاسخ به حمله‌های گروه‌های سلفی، ساختمان‌ها و زیرساخت‌های حماس را هدف قرار می‌دهد. اینکه اسرائیل حماس را به‌خاطر اقدامات سلفی‌ها تنبیه کند، اشتباه است؛ زیرا این واکنش‌ها بسیار راحت می‌تواند دوره نسبتاً آرام آتش‌بس میان اسرائیل و حماس را که از اواخر اگوست ۲۰۱۴ تاکنون وجود داشته، از بین ببرد. راه کاهش تهدید سلفی‌ها در غزه، محدودکردن پتانسیل جذب افراد ازسوی این گروه‌هاست. نسل فعلی جوانان غزه در دوران زندگی خود سه جنگ متوالی با اسرائیل را شاهد بوده‌اند. از طرفی بی‌کاری در غزه شایع و میزان امید هم کم است؛ این جوانان فلسطینی را به‌عنوان «نسل حماس» می‌شناسند، اما اگر این وضعیت بد اقتصادی غزه که بخشی از آن نتیجه محاصره اقتصادی تحمیلی ازسوی مصر است، ادامه یابد، این جوانان ممکن است در نهایت با عنوان «نسل سلفی» شناخته شوند.

گروه حماس در اواخر دهه ۱۹۸۰ در برابر جنبش فتح سایه افکند و به‌همین ترتیب، اکنون سلفی‌های غزه هم می‌توانند به‌عنوان خطرناک‌ترین تهدید در مقابل دیگر فلسطینیان و رژیم اسرائیل، از حماس پیشی بگیرند. اگر این اتفاق روی دهد، نتیجه‌ای بسیار فاجعه‌آمیز خواهد بود، زیرا مجدداً فرصت دیگری برای حل یکی از کشمکش‌های طولانی منطقه از بین خواهد رفت.

منبع: اندیشکده رند